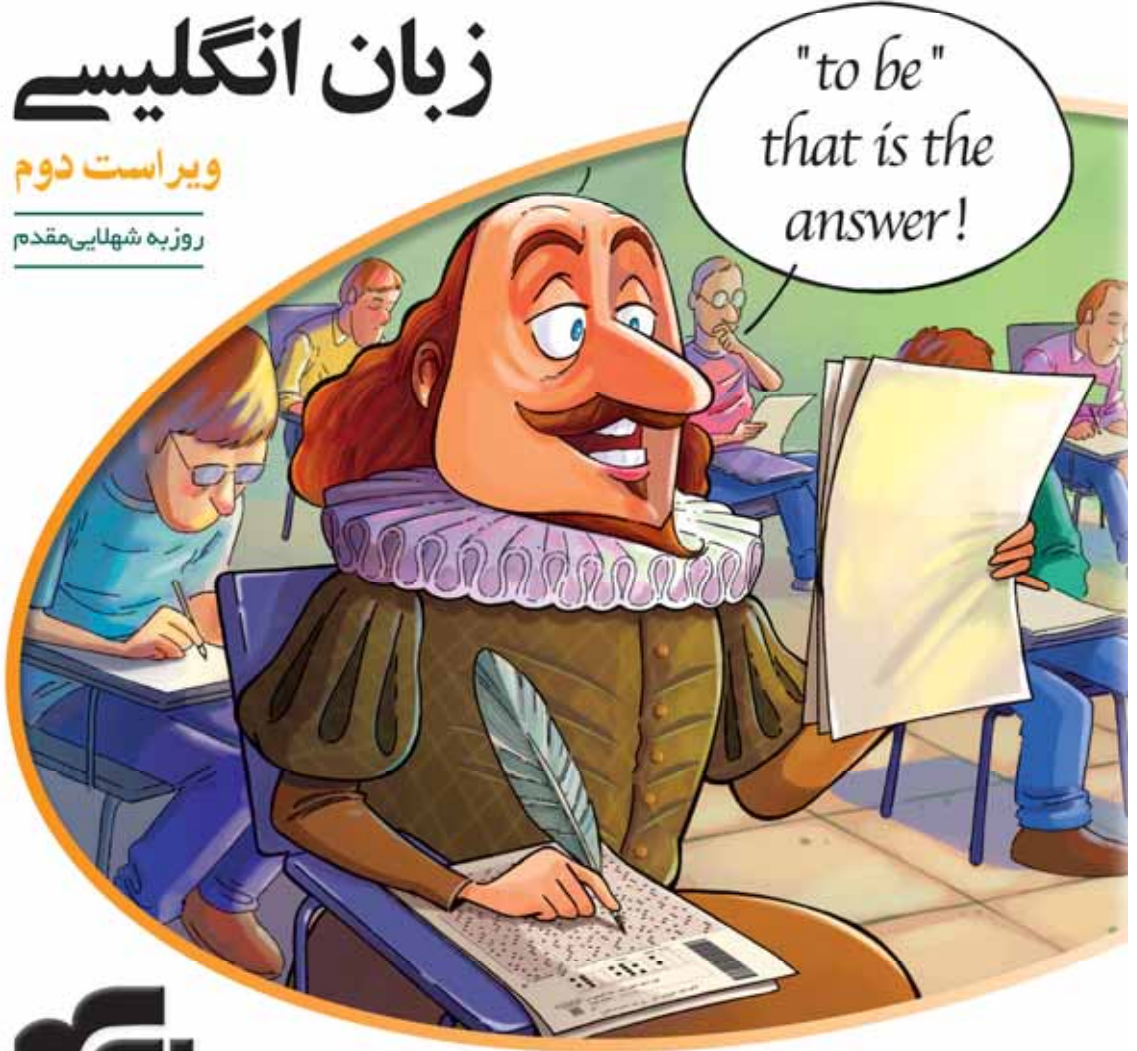


درس نامه + آزمون های مبحثی و جامع + پاسخ های تشریحی

موج آزمون زبان انگلیسی

ویراست دوم

روزبه شهبایی مقدم



انتگرالگو

دوستان خوبم سلام،
امیدوارم حال همگی خوب باشد.

بسیاری از شما عزیزان هنوز درس زبان انگلیسی را برای کنکور به طور جدی مطالعه نکرده‌اید و بسیاری هم اگرچه زمانی را صرف این درس کرده‌اند، اما دائم در این فکر هستند که کدام منبع می‌تواند در فرصت کوتاه و دوران طلایی باقی‌مانده تا کنکور به بهترین شکل این درس مهم را جمع‌بندی کند. واقعیت این است که آن منبع، شاید همین کتاب موج آزمون زبان انگلیسی باشد. روش تألیف کتاب نیاز هر دو گروه مذکور را به بهترین شکل برآورده می‌کند. اجازه دهید بخش‌های این کتاب را برایتان توضیح دهم. این کتاب شامل ۷ آزمون دهم، ۹ آزمون یازدهم، ۹ آزمون دوازدهم، ۵ آزمون جامع و ۷ آزمون جامع کنکور سراسری ۹۸ (کلیه رشته‌ها) می‌شود. در ابتدای هر درس، واژگان مهم در قالب جدول آموزشی گردآوری شده و در ادامه تست‌های کنکورهای سراسری سال‌های قبل به ترتیب آمده است. در مرحله بعد، درسنامه گرامری مختصری در حد کتاب درسی ارائه شده که لازمه تسلط بر آن حل تست‌های جمع‌بندی گرامر بعد از هر درس‌نامه است. در انتها، آزمون‌های جمع‌بندی هر درس در قالب ۲۵ سؤال مشابه با کنکور سراسری قرار دارد. با حل این آزمون‌ها و بررسی پاسخنامه مفصل تشریحی، تمامی آنچه که برای درس مورد نظر نیاز دارید در اختیار شماست!

در انتهای کتاب نیز شش ضمیمه مهم قرار داده‌ام:

- ۱- جدول واژگان و اصطلاحات بخش‌های شنیداری کتاب‌های درسی دهم تا دوازدهم
- ۲- جدول واژگان بخش‌های پنهان کتاب‌های درسی دهم تا دوازدهم
- ۳- جدول کلماتی از کتاب‌های درسی که در یک معنی قابل شمارش و در معنی دیگر غیرقابل شمارش هستند.
- ۴- آمار کنکور سراسری ۱۳۹۷ (نظام جدید)
- ۵- واژگان مهم و خارج از کتاب کنکور سراسری ۱۳۹۸ (نظام جدید)
- ۶- سوالات گرامر کنکور سراسری نظام قدیم ۱۳۹۸ (مرتبط با موضوعات کتاب‌های درسی نظام جدید)

■ ویژگی‌های بارز این کتاب را که بی‌تردید برای شما مهم است ببینید:

- ۱- تمامی تست‌ها و درس‌نامه‌های ارائه‌شده در حد کتاب درسی هستند؛
- ۲- انواع سؤالات رایج بخش ریدینگ در قالب ۳۰ آزمون تألیفی گردآوری شده؛
- ۳- در طراحی سؤالات و درس‌نامه‌های آموزشی، تمامی نکات مهم و سؤال‌انگیز کتاب کار آموزش و پرورش مد نظر قرار گرفته؛
- ۴- سؤالاتی از کنکورهای سال‌های گذشته (در هر ۴ بخش گرامر، واژگان، کلوز تست و ریدینگ)، متناسب با محتوای کتاب‌های تازه تألیف؛ به صورت موضوعی و هدفمند در سراسر کتاب پخش شده‌اند.

امیدوارم پس از مطالعه این کتاب آزمون کنکور را با آرامش کامل در درس زبان تجربه کنید.
به امید قبولی شما در رشته دلخواهتان در دانشگاه.

فهرست

● فصل اول: زبان انگلیسی دهم

۲ درس اول: Saving Nature

۱۴ درس دوم: Wonders of Creation

۲۷ درس سوم: The Value of Knowledge

۳۸ درس چهارم: Traveling the World

● فصل دوم: زبان انگلیسی یازدهم

۵۸ درس اول: Understanding People

۷۲ درس دوم: A Healthy Lifestyle

۹۱ درس سوم: Art and Culture

● فصل سوم: زبان انگلیسی دوازدهم

۱۱۲ درس اول: Sense of Appreciation

۱۲۷ درس دوم: Look it Up!

۱۴۴ درس سوم: Renewable Energy

● فصل چهارم: آزمون‌های جامع

۱۶۶ آزمون جامع ۱ (تألیفی)

۱۶۹ آزمون جامع ۲ (تألیفی)

۱۷۲ آزمون جامع ۳ (تألیفی)

۱۷۵ آزمون جامع ۴ (تألیفی)

۱۷۸ آزمون جامع ۵ (تألیفی)

- ۱۸۱ آزمون جامع ۶ (ریاضی ۹۸)
- ۱۸۴ آزمون جامع ۷ (انسانی ۹۸)
- ۱۸۷ آزمون جامع ۸ (تجربی ۹۸)
- ۱۹۰ آزمون جامع ۹ (هنر ۹۸)
- ۱۹۳ آزمون جامع ۱۰ (زبان‌های خارجی ۹۸)
- ۱۹۶ آزمون جامع ۱۱ (خارج از کشور ۹۸)
- ۱۹۹ آزمون جامع ۱۲ (انسانی خارج از کشور ۹۸)

● فصل پنجم: پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی (درس‌نامه قسمت گرامر و رای‌تینگ)

- ۲۰۴ زبان انگلیسی دهم
- ۲۰۸ زبان انگلیسی یازدهم
- ۲۱۱ زبان انگلیسی دوازدهم

● فصل ششم: پاسخ تشریحی آزمون‌ها

- ۲۱۶ زبان انگلیسی دهم
- ۲۳۵ زبان انگلیسی یازدهم
- ۲۶۰ زبان انگلیسی دوازدهم
- ۲۸۲ آزمون‌های جامع

● فصل هفتم: ضمیمه

● فصل هشتم: پاسخ‌نامه کلیدی

زبان انگلیسی دوازدهم

فصل ۳

درس اول: Sense of Appreciation

درس دوم: Look it Up!

درس سوم: Renewable Energy

تعداد آزمون: ۹

Sense of Appreciation

درس اول

لغات مهم کتاب درسی

accidentally (adv.)	تصادفاً	center (n.)	مرکز، وسط، کانون
A.D. (abbr ¹ .) (Anno Domini)	بعد از میلاد	chess (n.)	شطرنج
active (adj.)	فعال، (دستور زبان) معلوم	childhood (n.)	بچگی، کودکی، دوران بچگی
addition (n.)	جمع، اضافه	choose (v.)	انتخاب کردن
advice (n.)	نصیحت، توصیه	collocation (n.)	(زبان‌شناسی) هم‌نشینی، باهم‌آیی
again and again	بارها	combine (v.)	ترکیب کردن، ترکیب شدن
agreement (n.)	توافق، موافقت	compound (adj. & n.)	(جمله) مرکب، ترکیب، مخلوط
along with	همراه با، به اضافه، در کنار	confirm (v.)	تأیید کردن
aloud (adv.)	بلند، با صدای بلند	connecting (adj.)	رابط، ربط‌دهنده
appreciation (n.)	قدردانی، درک، فهم	countless (adj.)	بی‌شمار، بی‌اندازه
as follows	به شرح زیر	cry (v.)	گریه کردن
author (n.)	نویسنده	cure (n. & v.)	درمان، درمان کردن
belonging (n.)	(در شکل جمع) دارایی، تعلق	dedicate (v.)	وقف کردن، اختصاص دادن به
blessing (n.)	رحمت، توفیق، برکت	dedicated (adj.)	متعهد، متعصب
boost (v.)	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن	diary (n.)	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت
bring up (phr v.)	تربیت کردن، بزرگ کردن	diploma (n.)	دیپلم
burst (v.)	ترکیدن، منفجر کردن	discover (v.)	کشف کردن
burst into tears	ناگهان زیر گریه زدن	distinguish (v.)	تشخیص دادن، فرق گذاشتن، متمایز کردن
by heart	از حفظ	distinguished (adj.)	برجسته، ممتاز
by the way (idi.)	راستی	doer (n.)	انجام‌دهنده
calmly (adv.)	به آرامی	either (det. ² & pron.)	یا، هریک (از دو)
cancer (n.)	(بیماری) سرطان	elder (n. & adj.)	بزرگ‌تر
care for (phr v.)	مراقبت کردن از، علاقه داشتن به	elderly (adj.)	سالخورده، پیر
catch (v.)	گرفتن، (بیماری) دچار شدن	elicit (v.)	(اطلاعات) بیرون کشیدن، به دست آوردن

1- abbr: abbreviation مخفف

2- det: determiner معرف (دستور زبان)

enjoyable (adj.)	لذت بخش	object (n.)	شیء، (دستور زبان) مفعول
ethic (n.)	اخلاق، اصول اخلاقی	once (adv.)	روزی، یک زمانی، یک بار
feed (v.)	تغذیه کردن، غذا دادن به	on the other hand	از طرف دیگر
fix (v.)	تعمیر کردن	ordinary (adj.)	معمولی، عادی
forgive (v.)	بخشیدن	passive (adj.)	(دستور زبان) مجهول
found (v.)	تأسیس کردن، ایجاد کردن	pause (n. & v.)	مکث، مکث کردن
generate (v.)	تولید کردن	peaceful (adj.)	آرام، توأم با صلح
generation (n.)	تولید، نسل	physician (n.)	پزشک، طبیب
go together	با هم همراه بودن، به هم خوردن	pigeon (n.)	کبوتر
grandchild (n.)	نوه	pity (n.)	ترحم، دلسوزی، مایه تأسف
guideline (n.)	رهنمود، دستورالعمل	poetry (n.)	شعر، هنر شاعری
hard of hearing (adj.)	سنگین گوش	principle (n.)	اصل، قاعده
hate (n. & v.)	نفرت، نفرت داشتن از	process (n.)	فرآیند، جریان
hear of	اسم (کسی یا چیزی را) شنیدن	provide (v.)	تأمین کردن
heritage (n.)	میراث	quantity (n.)	کمیت، مقدار
hometown (n.)	وطن، میهن	rather than	به جای، به جای این که
hug (n. & v.)	آغوش، در آغوش گرفتن	receive (v.)	دریافت کردن
identity (n.)	هویت	record (v.)	ثبت کردن، ضبط کردن
inspiration (n.)	الهام	regard (n. & v.)	توجه، ملاحظه، تلقی کردن
install (v.)	نصب کردن	regarding (prep.)	در ارتباط با
interestingly (adv.)	جالب است که	religious (adj.)	مذهبی
kindly (adv.)	با مهربانی، لطفاً	repeatedly (adv.)	بارها و بارها، به کرات
kindness (n.)	مهربانی	replace (v.)	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن
kiss (n. & v.)	بوسه، بوسیدن	reply (v.)	جواب دادن
lap (n.)	دامن، قسمتی از ران پا	responsibility (n.)	مسئولیت
location (n.)	محل، موقعیت	score (n. & v.)	(آزمون) نمره
loving (adj.)	با محبت، عاشقانه	sense (n. & v.)	حس، احساس، حس کردن
lower (v.)	کم کردن، کم شدن	sense of appreciation	حس قدرشناسی
meaningful (adj.)	بامعنی، معنی دار	series (n.)	سری، مجموعه
moral (n.)	اخلاق، (در شکل جمع) اصول اخلاقی	shout (v.)	فریاد کشیدن
most importantly	از همه مهم تر این که	signal (n. & v.)	علامت، علامت دادن
not surprisingly	تعجبی ندارد که	sofa (n.)	کاناپه

solution (n.)	راه حل	terrible (adj.)	وحشتناک، افتضاح
sometime (adv.)	زمانی، یک روزی	textbook (n.)	کتاب درسی
sound (v.)	به نظر آمدن	tool (n.)	ابزار، وسیله
spare (v.)	مضایقه کردن، دریغ کردن	uncertainty (n.)	عدم قطعیت، تردید
spare no pains	از هیچ تلاشی مضایقه نکردن	unnatural (adj.)	غیرطبیعی، غیرعادی
strength (n.)	قدرت، نیرو	vase (n.)	گلدان
such (det. & pron.)	چنین، این طور، چنان، آن قدر	what's wrong with you?	چت شده؟ چه شده است؟
suddenly (adv.)	ناگهان	whereby (adv.)	که به موجب آن
take a rest	استراحت کردن	while (n. & conj.)	مدت، در حالی که
tear (n.)	اشک	willing (adj.)	مایل، مشتاق
teenager (n.)	نوجوان	yet another	(برای تاکید) باز، مجدداً
temperature (n.)	دما		

لغات مهم کتاب کار

as (conj.)	چون، وقتی که	inform (v.)	مطلع کردن
cage (n.)	قفس	lack (n. & v.)	فقدان، نداشتن
cousin (n.)	فرزند خاله، عمه، دایی یا عمو	note (v.)	توجه کردن به
deserve (v.)	استحقاق داشتن	parrot (n.)	طوطی
duty (n.)	وظیفه، کار	present (adj.)	حاضر، فعلی
end in	ختم شدن به	robber (n.)	سارق
failure (n.)	شکست، ناکامی	steal (v.)	دزدیدن
fridge (n.)	یخچال	thus (adv.)	بنابراین
grateful (adj.)	قدردان	umbrella (n.)	چتر
gulf (n.)	خلیج	unconditionally (adv.)	بدون قید و شرط
handle (v.)	از عهده برآمدن، کار کردن با، (با دست) جابه‌جا کردن	unreal (adj.)	غیرواقعی
hence (adv.)	(از حالا) بعد، دیگر، بنابراین	within (prep.)	در، در محدوده
honor (n. & v.)	افتخار، احترام، گرامی داشتن، مفتخر ساختن		

تست‌های جمع‌بندی واژگان

- 1 When raw materials or foods are, they are changed in a suitable manner for a particular purpose. هنر ۸۶
 1) replaced 2) processed 3) managed 4) stored
- 2 In our family, the between father and his children is of high value. ریاضی ۹۰ - با تغییر
 1) measure 2) project 3) friendship 4) quantity
- 3 He wasn't dressed for the party. انسانی ۹۰
 1) mentally 2) suitably 3) usefully 4) continuously
- 4 She was forced to have with the secret police. خارج ۹۰ - با تغییر
 1) obligations 2) predictions 3) destinations 4) connections
- 5 A: Do you have any news about Ted for me? B: No, I haven't seen him ریاضی ۹۱ - با تغییر
 1) lately 2) calmly 3) commonly 4) suitably
- 6 My of books and magazines is nothing in comparison with that of a library. خارج ۹۱ - با تغییر
 1) collection 2) production 3) forgiveness 4) performance
- 7 This cloth has been slowly in order to make it waterproof. خارج ۹۱ - با تغییر
 1) welcomed 2) processed 3) researched 4) predicted
- 8 The President has been fully the recent advances. ریاضی ۹۳ - با تغییر
 1) compared with 2) located by 3) paid attention to 4) informed of
- 9 It is to assume that he knew beforehand that this would take place. تجربی ۹۳ - با تغییر
 1) regular 2) responsible 3) nervous 4) reasonable
- 10 I felt quite during the marriage ceremony. زبان ۹۳ - با تغییر
 1) economical 2) emotional 3) calligraphic 4) decorative
- 11 The sick man put his feet in cold water in the hope that it would help his body temperature. زبان ۹۳ - با تغییر
 1) rank 2) lower 3) predict 4) boost
- 12 A teacher often feels his students when they work hard and achieve something important. زبان ۹۴ - با تغییر
 1) proud of 2) bored with 3) certain of 4) worried about
- 13 When he said he was not to answer that particular question, we switched on to other questions quickly. ریاضی ۹۵
 1) calm 2) exact 3) willing 4) suitable
- 14 As the man is lazy and has no of responsibility, he does not work to make money for his family. ریاضی ۹۶
 1) sense 2) basis 3) habit 4) amount
- 15 I am tired of you; please don't complain about things you are not to work hard to change. خارج ۹۶
 1) willing 2) social 3) specific 4) responsible
- 16 She was good at covering emotions she didn't want to show, but he read them all and threw them back in her face. تجربی ۹۷
 1) carefully 2) seriously 3) normally 4) wisely

1) 1 2 3 45) 1 2 3 49) 1 2 3 413) 1 2 3 42) 1 2 3 46) 1 2 3 410) 1 2 3 414) 1 2 3 43) 1 2 3 47) 1 2 3 411) 1 2 3 415) 1 2 3 44) 1 2 3 48) 1 2 3 412) 1 2 3 416) 1 2 3 4

درسنامه گرامر

ساختار مجهول (Passive Voice)

ساختار مجهول به صورت "to be + pp" است. منظور از "to be" کلیه مشتقات آن یعنی "am, is, are, was, were, been, be, to be, being" و منظور از "pp" قسمت سوم فعل (past participle) است. در درس ۱ زبان دوازدهم، با مجهول زمان‌های «حال ساده، گذشته ساده و حال کامل» سروکار داریم. جمله معلوم زیر را در نظر بگیرید:

I sent the letter.

من نامه را فرستادم.

فاعل فعل مفعول

در جمله معلوم، ابتدا نهاد، سپس فعل و در ادامه مفعول^۱ و سایر اجزای جمله به کار می‌رود، اما در جمله مجهول مفعول در ابتدای جمله ظاهر می‌شود و نقش فاعل جمله مجهول را بازی می‌کند. جدول زیر را ببینید تا بهتر متوجه شوید:

زمان	جمله مجهول	شکل منفی جمله مجهول	شکل سؤالی جمله مجهول
حال ساده	The letter is sent .	The letter is not sent .	Is the letter sent?
گذشته ساده	The letter was sent .	The letter was not sent .	Was the letter sent?
حال کامل	The letter has been sent .	The letter has not been sent .	Has the letter been sent?

تجربہ ۱

می‌توانیم انجام‌دهنده کار (یعنی فاعل جمله معلوم) را در ادامه جمله با حرف اضافه "by" (به وسیله، توسط) بیان کنیم:

The car was found **by Roozbeh**.

ماشین توسط روزبه پیدا شد.

اگر فاعل غیر انسان باشد و به خودی خود قادر به انجام کاری نباشد، به جای "by" از "with" استفاده می‌کنیم.

Ehsan was killed **with a stone**. (NOT Ehsan was killed by a stone.)

احسان با سنگ کشته شد.

تجربہ ۲

برای پرسش درباره فاعل جمله مجهول، ۲ حالت داریم:

Active: Who wrote Moj Azmoon?

معلوم: چه کسی موج آزمون را نوشت؟

Passive: Who was Moj Azmoon written by? OR **By whom** was Moj Azmoon written?

مجهول: موج آزمون توسط چه کسی نوشته شد؟ یا توسط چه کسی موج آزمون نوشته شد؟

۱- آیا هر فعلی مفعول‌پذیر است؟ حتماً جوابتان منفی است! جملات مجهول فقط برای افعال متعدی (افعالی که مفعول می‌پذیرند) تعریف می‌شوند. افعالی مثل "appear", "arrive", "die", "live", "sit" و "..." لازم هستند و نمی‌توانند در ساختار مجهول به کار روند.

۲- البته دقت کنید که اگر بخواهیم عامل انجام کار را به صورت ضمیر بیاوریم، فقط باید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. یعنی:

The car was found **by me**. (NOT ...by I.)

برخی افعال دومفعولی هستند؛ مثال:

They told me a story.

مفعول ۲ مفعول ۱

این افعال غالباً یک مفعول انسانی (مفعول غیرمستقیم یا همان متمم فارسی) و یک مفعول شیئی (مفعول مستقیم یا همان مفعول فارسی) دارند. پس دو شکل مجهول برای آن‌ها وجود دارد. یعنی یک‌بار مفعول غیرمستقیم اول جمله بیاید و یک‌بار مفعول مستقیم.

I was told a story. = A story was told to me.

داستانی به من گفته شد.

فهرست این افعال در حد کتاب درسی عبارت‌اند از:

ask	پرسیدن	promise	قول دادن
buy	خریدن	sell	فروختن
give	دادن	send	فرستادن
lend	قرض دادن	show	نشان دادن
offer	پیشنهاد دادن	teach	آموزش دادن
pay	پرداخت کردن	tell	گفتن

دنباله سؤالی (Question Tag)

به جمله‌های سؤالی کوتاهی که در انتهای یک جمله خبری می‌آیند، «دنباله سؤالی» می‌گویند. قبل از اینکه اساس شکل‌گیری آن‌ها را بدانید، اول دسته‌بندی افعال کمکی را بشناسید:

am, is, are, was, were

has, have, had

do, does, did

can, could, may, might, will, would, must, should

حُب! برای ساخت دنباله سؤالی:

(۱) فعل کمکی جمله اصلی را مجدداً بنویسید. اگر جمله مثبت بود، فعل کمکی را به صورت منفی بنویسید، ولی اگر منفی بود، شکل مثبت آن را بنویسید. دقت کنید فعل کمکی به صورت مخفف در می‌آید!

He **can** sing well, **can't** he?

او می‌تواند به خوبی آواز بخواند، نمی‌تواند؟

Sara **hasn't** passed the exam, **has** she?

سارا در آزمون قبول نشده است، شده است؟

(۲) برای زمان‌های «حال ساده» و «گذشته ساده»، چون فعل کمکی نداریم، از "do, does, did" استفاده می‌کنیم:

You recognized me, **didn't** you?

تو من را شناختی، مگر نه؟

(۳) در صورت وجود عوامل منفی‌ساز مثل "no, nobody, no one, nothing, little, few, hardly, rarely, never" ساختار باز هم مثبت خواهد بود:

You **never** loved him, **did** you?

تو هیچوقت او را دوست نداشتی، داشتی؟

(۴) اگر فاعل جمله "this, that" باشد از ضمیر "it" و اگر "these, those" باشد، از "they" استفاده می‌کنیم:

That film was boring, **wasn't it**?

آن فیلم کسل‌کننده بود، نبود؟

These are beautiful flowers, **aren't they**?

گل‌های زیبایی هستند، نیستند؟

(۵) اگر فاعل جمله "there" باشد، آن را تغییر نمی‌دهیم:

There was a big cat, **wasn't there**?

یک گربه بزرگ وجود داشت، وجود نداشت؟

۱- فراموش نکنید که نهاد جمله را حتماً به صورت ضمیر فاعلی بنویسید.

۶) برای ضمائر "anything, everything, something, nothing" از it و برای ضمائر "anybody, anyone, everybody, everyone" از they استفاده می‌کنیم: nobody, no one, somebody, someone

Nothing bad happened, did it? هیچ چیز بدی رخ نداد، داد؟

Nobody lives here, do **they**? هیچکس اینجا زندگی نمی‌کند، زندگی می‌کند؟

۷) اگر جمله‌ای مرکب داشتیم، جمله پایه را مبنای ساخت دنباله سؤالی قرار می‌دهیم (جمله پیرو معنای ناقصی دارد و معمولاً همیشه دارای یک حرف ربط مثل "after, before, as, although, when, while, if, ..." است):

She phoned while I was watching TV, didn't she? هنگامی که من درحال تماشای تلویزیون بودم، او تلفن زد، نزد؟
جمله پایه جمله پیرو دنباله سؤالی

She didn't notice the joke because she was a bit sleepy, did she? چون کمی خواب‌آلود بود متوجه شوخی نشد، شد؟
جمله پایه جمله پیرو دنباله سؤالی

اما اگر جمله پایه شما با ضمیر "I" و افعالی مثل "I think, believe, feel, guess, (have) heard, (am) sure, suppose" ساخته شده باشد، جمله پیرو مبنای قرار می‌گیرد:

I've heard (that) he **is** sick, **isn't** he? (NOT I've heard he is sick, haven't I?) (Vision 2 – Page 32)
جمله پایه جمله پیرو دنباله سؤالی من شنیده‌ام که او بیمار است، نیست؟

تست‌های جمع‌بندی گرامر

- 1) A pane of glass while the boys were playing in the street.
1) broke 2) was broken 3) has been broken 4) is broken
- 2) your tickets for the concert tomorrow paid for by you or your parents?
1) Be 2) Have 3) Were 4) Have been
- 3) About 71 percent of the Earth's surface by water, and oceans about 96% of all Earth's water.
1) was covered 2) covers 3) are covered 4) is covered
- 4) It that he has had an influence on many other chefs.
1) is claimed 2) claims 3) he claims 4) was claimed
- 5) It that it would be too costly to take the case to trial.
1) agreed 2) has agreed 3) was agreed 4) has been agreed
- 6) Because Saeed been banned from driving, he is unable to rent a car on holiday.
1) was 2) was being 3) has 4) having
- 7) Reza and Ali are having the lesson early tomorrow,?
1) aren't Reza and Ali 2) aren't they 3) are Reza and Ali 4) are they
- 8) I don't think anyone will volunteer,?
1) do I 2) do they 3) will they 4) will one
- 9) It's true that Ralph calls us quite rarely, but most students only call their parents when they need something,?
1) do they 2) don't they 3) is it 4) isn't it
- 10) How can you think of marrying her? You've hardly known her five minutes,?
1) can't you 2) can you 3) haven't you 4) have you

1) 1 2 3 4

2) 1 2 3 4

3) 1 2 3 4

4) 1 2 3 4

5) 1 2 3 4

6) 1 2 3 4

7) 1 2 3 4

8) 1 2 3 4

9) 1 2 3 4

10) 1 2 3 4

درسنامه رایتینگ

حروف ربط همپایه‌ساز (Coordinating Conjunctions)

برای ترکیب کردن دو جمله ساده (جمله‌ای که یک فاعل و یک فعل دارد) و ساخت یک جمله مرکب (جمله‌ای که بیش از یک فعل و فاعل دارد) می‌توانیم از حروف ربط استفاده کنیم. در حد کتاب درسی، کافی است کاربرد ۴ حرف ربط "and, but, or, so" را فرا بگیرید:

حرف ربط همپایه‌ساز	مثال	کاربرد
and	We went to the park yesterday, and we had a wonderful time. دیروز به پارک رفتیم و زمان فوق‌العاده‌ای را گذرانیدیم.	بیان اطلاعات اضافی، دو عمل مشابه یا متوالی
but	The problem was confusing, but Tom could solve it. این مشکل گیج‌کننده بود، اما تام توانست آن را حل کند.	بیان تضاد و مقایسه
or	He can buy the book, or he can borrow it from the library. او می‌تواند کتاب را بخرد، یا می‌تواند آن را از کتابخانه قرض بگیرد.	بیان انتخاب بین دو مورد
so	Saeed studied hard for the exam, so he passed it. سعید برای امتحان سخت مطالعه کرد، بنابراین در آن پذیرفته شد.	بیان نتیجه‌گیری

توجه ۱

وجه مشترک این چهار حرف ربط این است که قبل از آن‌ها در صورت وجود نهاد در هر دو جمله ساده، از ویرگول استفاده می‌کنیم:
Behnam's family went to the zoo last week, **but** they did not enjoy it. (NOT Behnam's family went to the zoo last week but they did not enjoy it.)
خانواده بهنام هفته گذشته به باغ‌وحش رفتند، اما از آن لذت نبردند.

توجه ۲

در صورت وجود نهادهای مشترک، می‌توانیم نهاد دوم را به قرینه حذف کنیم. در این حالت، ویرگول نیز حذف می‌شود:
I get up early in the morning **and make** an omelet for myself. (NOT I get up early in the morning, and make an omelet for myself.)
من صبح زود از خواب بیدار می‌شوم و برای خودم املت درست می‌کنم.
البته این حالت برای "so" برقرار نیست. یعنی فاعل مشترک بعد از آن حذف نمی‌شود.

توجه ۳

این چهار حرف ربط می‌توانند با حرف بزرگ و در ابتدای جمله دوم قرار گیرند. البته دقت کنید که در این حالت مجاز به حذف فاعل مشترک نیستید:
It's an old car. **But** it's very reliable. (NOT It's an old car. But is very reliable.)
این ماشین قدیمی است، اما بسیار قابل اعتماد است.

۴ **تجو**

این کلمات می‌توانند غیر از اتصال دو جمله ساده، دو عنصر گرامری یکسان (مثل دو صفت، دو اسم و ...) را نیز به هم ربط دهند:

When we keep Earth clean **and** safe, animals will live longer. (Vision 1 – Workbook – Page 12)

صفت صفت

زمانی که ما زمین را پاکیزه و امن نگه داریم، حیوانات، طولانی‌تر زندگی خواهند کرد.

۵ **تجو**

در صورت وجود بیش از دو جمله یا عنصر گرامری، غیر از دو بخش آخر جمله که توسط این حروف ربط به هم متصل می‌شوند، باید از ویرگول استفاده کنیم. ببینید:

What I do when I get home is watching TV, cooking supper **and** going to bed.

آنچه که من وقتی به خانه می‌روم انجام می‌دهم، تماشای تلویزیون، پختن شام و رفتن به رختخواب است.

تست‌های جمع‌بندی رای‌تینگ

- 1) My camera was stolen I lost all the photographs from my last trip.
1) or 2) and 3) but 4) for
- 2) I am not allowed to see you anymore, shouldn't come again.
1) so 2) so you 3) and 4) but you
- 3) Listen to the story answer the questions in complete sentences.
1) but 2) so 3) and 4) or
- 4) He looked through the window for a minute or two outside.
1) so went 2) so he went 3) and went 4) and he goes
- 5) I am a bit cold. May I leave the class early, wait until the class is over?
1) or may I 2) or I may 3) or should I 4) or I should

1) 1 2 3 4

3) 1 2 3 4

5) 1 2 3 4

2) 1 2 3 4

4) 1 2 3 4

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 About 40 percent of the nation's Nobel Prize winners since 2000 abroad.
1) they bear 2) were born 3) that they bore 4) have been born
- 2 Information from various retail outlets and onto the database.
1) were collected – have been entered 2) were collected – entered
3) was collected – entered 4) was collected – has been entered
- 3 A: John isn't experienced enough to do this job, is he? B: No,
1) I think he is 2) I don't think he is 3) I think he has 4) I don't think he has
- 4 You may join the activities in the backyard, you may play inside.
1) so 2) or 3) but 4) and
- 5 Since we can get so much benefit from making our cities greener, we should no pains to do so.
1) forgive 2) grow 3) regard 4) spare
- 6 As you'll recall, I wanted to meet you, so I went backstage. This had never happened to me before and has never happened since! You opened the door, I tears and we fell into each other's arms.
1) lacked in 2) took care of 3) burst into 4) took the place of
- 7 Ajahn Brahm once said, "Everyone makes mistakes. The wise are not people who never make mistakes, but those who themselves and learn from their mistakes."
1) generate 2) forgive 3) translate 4) belong
- 8 Some government workers are and work hard, but most of them are just waiting to retire.
1) dedicated 2) destructive 3) economical 4) comfortable
- 9 If an elderly but scientist says that something is possible, he is almost certainly right; but if he says that it is impossible, he is very probably wrong.
1) exciting 2) distinguished 3) uninterested 4) surprised
- 10 Your forehead feels pretty warm to me; let me your temperature and see if you're running a fever.
1) add 2) do 3) take 4) make
- 11 The subtitles and captions are designed to help support the deaf or of hearing community, and even allow speakers to include a translation of a presentation.
1) afraid 2) proud 3) poor 4) hard
- 12 My son, who is a CEO, is very busy and, sadly but not, he doesn't call me very often.
1) seriously 2) hopefully 3) unconditionally 4) surprisingly

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Lichen are one of the few kinds of life that can survive in the mountains of Antarctica. These tiny plants live in small holes in the rocks. Outside, the extreme cold and (13) wind prevent any life at all from surviving. Inside the holes, these lichen manage to find enough water and (14) to keep alive, even though they (15) much of the time. This fact means that the lichen (16) extremely slowly and live a very long time. Scientists believe that a lichen may remain alive for thousands of years. (17), the lichen may be among the oldest forms of life on Earth.

- 13 1) rapid 2) quick 3) strong 4) heavy
- 14 1) health 2) growth 3) strength 4) warmth
- 15 1) must freeze 2) have frozen 3) were frozen 4) are frozen
- 16 1) function 2) explain 3) receive 4) compound
- 17 1) If this is true 2) For being true 3) Although this is true 4) In order to be true

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

Khawjeh Shams od-Din Muhammad Hafez was born in Shiraz sometime between the years 1310 and 1337. Very little reliable information is known about Hafez's life, particularly the early part. Judging from his poetry, he must have had a good education. It is said that, by listening to his father's recitations, Hafez had memorized the Holy Qur'an at an early age. Hafez also is believed to have known by heart the works of Molana, Sa'di, Attar, and Nezami.

As a young man, Hafez became a poet in the court of Abu Is'hak, which gave him fame and influence in his hometown. It is possible that Hafez also worked as a teacher in a Qur'anic school at this time. When Hafez was in his early thirties, Mubariz Muzaffar captured Shiraz and seems to have removed Hafez from his position. At the age of fifty-two, Hafez once again regained his position at court, and possibly received a personal invitation from Shah Shuja, who asked him to return. It is generally believed that Hafez died at age 69. His tomb is located in the Musalla Gardens of Shiraz, referred to as Hafezieh.

Themes of his Ghazals are the beloved, faith, and exposing hypocrisy. In his Ghazals, he deals with love, wine and tavern, which all represent ecstasy and freedom from restraint whether in actuality or in the voice of a lover speaking of divine love. His influence on the lives of Persian speakers can be found in "Hafez readings" (Fal-e Hafez) and the frequent use of his poems in Persian traditional music, visual art, and Persian calligraphy. His tomb attracts many visitors. Adaptations, imitations and translations of his poems exist in all major languages.

- 18 Hafez is said to have memorized the Holy Qur'an
- 1) after he'd become a well-known poet
 - 2) while his father read it aloud
 - 3) so that he'd be able to teach in Qur'anic schools
 - 4) so as to gain a high position at court
- 19 Hafez is said to have memorized the poems of all the following poets EXCEPT
- | | | | |
|-------------|----------|-----------|----------|
| 1) Ferdowsi | 2) Attar | 3) Nezami | 4) Sa'di |
|-------------|----------|-----------|----------|
- 20 When Muzaffar attacked Shiraz,..... .
- | | |
|--------------------------------------|--|
| 1) Hafez was 35 years old or less | 2) He asked Hafez to keep his position |
| 3) Shah Shuja was removed from power | 4) Hafez was just being built |
- 21 Hafez is where
- | | |
|--|--|
| 1) poets read out their poems to Hafez | 2) Hafez's body was put into the ground |
| 3) young Hafez worked as a gardener | 4) most of the gardens of Shiraz are located |

PASSAGE 2:

There is a big difference between the amount of sleep you can get by on and the amount you need to function optimally. According to the National Institutes of Health, the average adult sleeps less than seven hours per night. In today's fast-paced society, six or seven hours of sleep may sound pretty good. In reality, though, if you sleep that long, you are most probably not getting the sleep you need. Just because you're able to operate on six or seven hours of sleep doesn't mean you wouldn't feel a lot better and get more done if you spent an extra hour or two in bed.

While sleep requirements vary slightly from person to person, most healthy adults need between 7 to 9 hours of sleep per night to function at their best. Children and teenagers need even more. And despite the notion that our sleep needs decrease with age, most older people still need at least 7 hours of sleep. Since older adults often have trouble sleeping this long at night, daytime naps can help fill in the gap. ریاضی ۹۶

- 22 What is the main idea of the passage?
- | | |
|------------------------------------|--|
| 1) Differences in sleep patterns | 2) Ways to improve our sleeping habits |
| 3) The amount of sleep humans need | 4) Reasons why we do not sleep enough |
- 23 According to the passage, the appropriate number of hours of sleep for people
- | | |
|---|--|
| 1) is on the rise in today's fast-paced society | 2) is something between 6 to 7 hours per day |
| 3) depends on their daily function | 4) is not exactly the same |
- 24 What does the author mean by "that long" in paragraph 1?
- 1) As much sleep as required
 - 2) Six or seven hours of sleep
 - 3) Longer than seven hours of sleep per night
 - 4) The length of time you actually sleep in real life
- 25 With which of the following statements is the author more likely to agree?
- 1) All people need daytime naps these days.
 - 2) As people age, they tend to sleep longer hours.
 - 3) Today's society is a fast-paced one because people cannot function optimally.
 - 4) Children and teenagers in general need more than 7 to 9 hours of sleep per day.

آزمون‌های جامع

فصل ۴

آزمون جامع شماره ۱

آزمون جامع شماره ۲

آزمون جامع شماره ۳

آزمون جامع شماره ۴

آزمون جامع شماره ۵

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 We do not have all the books that were requested; we are sending those are in stock.
1) which they 2) that which 3) that they 4) that
- 2 If a practical cure for cancer, we wouldn't have as many patients as today.
1) developed 2) are developing 3) were developed 4) have been developed
- 3 Television viewers are sometimes surprised to learn that natural history programmes are often a lot soap operas or films.
1) most popular 2) as popular as 3) more popular than 4) popular that
- 4 Choose the most natural word order.
1) Is the cinema usually open on Sundays? 2) Usually is the cinema open on Sundays?
3) Is the cinema open usually on Sundays? 4) Is usually the cinema open on Sundays?
- 5 Beethoven's Ninth Symphony will be the first in a of concerts at the new concert hall.
1) poetry 2) sense 3) series 4) tag
- 6 This young man a diary, and he gave an interview to a newspaper in which he explained how he came to convert himself to Islam.
1) made 2) kept 3) hated 4) noted
- 7 He stayed with me throughout the time I was in the hospital. !
1) Two heads are better than one 2) A friend in need is a friend indeed
3) Actions speak louder than words 4) Too many cooks spoil the broth
- 8 As my dad said, we have a/an to leave the world better than how we found it. And he also reminded us to be givers in this life, not takers.
1) exemplification 2) pollution 3) obligation 4) direction
- 9 Richard Louv once said that by letting our children us to their own special places we can rediscover the joy and wonder of nature.
1) lead 2) advise 3) bless 4) feed
- 10 We've discussed this problem every so often, but so far we've failed to with a solution.
1) figure out 2) end in 3) go through 4) come up
- 11 To me, this is a/an idea for a national program whereby young people would dedicate themselves to a year of community service
1) inspiring 2) unfamiliar 3) following 4) missing
- 12 Just days after the atomic bombings of Hiroshima and Nagasaki, Japan stops fighting, and World War II is over.
1) alphabetically 2) specially 3) indirectly 4) unconditionally

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Exercise is defined as any movement that makes your muscles work and requires your body to burn calories. Although some types of exercise, including (13) in your home, may be good for your health, they may not be good for your children. (14) reports, each year, about 25,000 children in the United States are (15) by exercise equipment. The exercise bicycle is the most common (16) Many children (17) a finger or a toe in the wheels of these bicycles. So, if you have an exercise bicycle, you should not let your children play with it.

- 13 1) in exercising 2) exercising 3) to exercise 4) by exercising
- 14 1) Because of 2) Following 3) Besides 4) According to
- 15 1) hurt 2) risked 3) quit 4) rushed
- 16 1) injury caused by 2) cause of injury 3) cause of injured 4) being injured and caused
- 17 1) lost 2) must lose 3) have lost 4) were losing

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

Both men and women are living longer. However, women, on the average, live longer. In general, they can expect to live six or seven years more than men. The reasons for this are both biological and cultural.

One important biological factor that helps women live longer is the difference in hormones between men and women. Hormones are chemicals which are produced by the body to control various body functions. Between the ages of about 12 and 50, women produce hormones that are involved in fertility. These hormones also have a positive effect on the heart and the blood flow. In fact, women are less likely to have high blood pressure or to die from heart attacks.

The female hormones also protect the body in another way. They help the body to defend itself against some kinds of infections. This means that women generally get sick less often and less seriously than men. The common cold is a good example: women, on average, get fewer colds than men.

Women are also helped by their female genes. Scientists are still not exactly sure how genes influence aging, but they believe that they do. Some think that a woman's body cells have a tendency to age more slowly than a man's. Others think that a man's body cells have a tendency to age more quickly. Recent research seems to support both of these possibilities.

The cultural context can also influence life expectancy for men and women (life expectancy is the expected length of a person's life.) For example, women generally smoke cigarettes less than men.

Another factor that has influenced the lives of women is the lack of stress. Stress is well known to shorten lives. Until recently, women who worked were usually in less responsible, less stressful positions. At home, housework tends to keep women in better physical condition than men. This generally better physical condition is yet another factor in women's longer lives.

18 What does the passage mainly discuss?

- 1) The role of hormones and genes in making women healthy
- 2) Physiological and cultural differences between men and women
- 3) The main reasons why women, on average, live longer than men
- 4) The reasons why modern society leads to men's and women's long life and good health

19 According to the passage, men are more likely than women to

- 1) die from serious diseases such as heart attacks
- 2) control body functions without the use of hormones
- 3) develop the necessary skills to manage job-related stress
- 4) turn to cigarette smoking as a means to handle their social problems

20 The word "they" in paragraph 4 refers to

- 1) women 2) genes 3) scientists 4) body cells

21 The passage provides enough information to answer which of the following questions?

- 1) Why do men live longer at present than in the past?
- 2) What is one reason why women are generally in better physical condition?
- 3) Why does women's body produce fertility-related hormones between 12 to 50 years of age?
- 4) Where were some research studies conducted to determine why women live a longer and healthier life than men do?

PASSAGE 2:

The invention of the incandescent light bulb by Thomas A. Edison in 1879 created a demand for a cheap, readily available fuel with which to generate large amounts of electric power. Coal seemed to fit the bill, and it fueled the earliest power stations (which were set up at the end of the nineteenth century by Edison himself). As more power plants were constructed throughout the country, the reliance on coal increased. Since the First World War, coal-fired power plants have accounted for about half of the electricity produced in the United States each year. In 1986, such plants had a combined generating capacity of 289,000 megawatts and consumed 83 percent of the nearly 900 million tons of coal mined in the country that year. Given the uncertainty in the future growth of nuclear power and in the supply of oil and natural gas, coal-fired power plants could provide up to 70 percent of the electric power in the United States by the end of the century.

Yet, in spite of the fact that coal has long been a source of electricity and may remain one for many years (coal represents about 80 percent of the United States' fossil fuel reserves), it has actually never been the most desirable fossil fuel for power plants. Coal contains less energy per unit of weight than natural gas or oil, it is difficult to transport, and it is associated with a host of environmental issues such as acid rain. Since the late 1960s, problems of emission control and waste disposal have sharply reduced the appeal for coal-fired power plants. The cost of ameliorating these environmental problems, along with the rising cost of building a facility as large and complex as a coal-fired power plant, has also made such plants less attractive from a purely economic perspective.

Changes in the technological base of coal-fired power plants could restore their attractiveness, however. Whereas, some of these changes are revolutionary and are intended mainly to increase the productivity of existing plants, completely new technologies for burning coal cleanly are also being developed.

22 What is the main idea of the passage?

- 1) Coal-fired power plants are an important source of electricity in the United States and are likely to remain so.
- 2) Generated electricity from coal is comparatively recent in the United States.
- 3) Coal is a more economical fuel than either oil or nuclear power.
- 4) Coal is a safer and more dependable fossil fuel than oil or gas.

- 23 It can be inferred from the passage that coal became the principal source of electricity in the United States because it
- 1) required no complicated machinery 2) was comparatively plentiful and inexpensive
3) was easy to transport 4) burned efficiently
- 24 In the author's opinion, the importance of coal-generated electricity could increase in the future for which of the following reasons?
- 1) The possible substitutes are too dangerous.
2) The cost of changing to other fuels is too great.
3) The future availability of other fuels is uncertain.
4) Other fuels present too many environmental problems.
- 25 The underlined word "consumed" in line 7 is closest in meaning to
- 1) used 2) decreased 3) prepared 4) deleted

مبحث آزمون: جامع کنکور

سطح آزمون: متوسط

**PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY**

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 I am afraid I am busy right now, but I'll be glad to help you when I have
- 1) little time 2) few times 3) a little time 4) the little time
- 2 A: What a beautiful collection of jewelry!?
B: I bought them last month.
- 1) When did you have it 2) How long have you had it
3) When have you had it 4) How long did you have it
- 3 A prefix is a letter or a group of letters at the beginning of a word.
- 1) that comes 2) which come 3) that it comes 4) which they come
- 4 A: Did you return Carmen's phone call?
B: No, I forgot. Thanks for reminding me. I her right away.
- 1) call 2) am going to call 3) will call 4) am calling
- 5 Before I lost of her, Zahra looked back one last time and smiled at me.
- 1) sight 2) taste 3) shape 4) station
- 6 A: I'm depressed in this weather. Let's go get some ice cream.
B: You want to get ice cream when it's snowing?
A: Ice cream makes it feel as though it's a sunny day even when it's not.
- 1) It works. 2) That's the point! 3) How strange! 4) That's a good idea.
- 7 Please all of your present members to renew membership and to try to register as many new members as possible.
- 1) remember 2) remind 3) infect 4) arrange
- 8 The program can load any of a large number of and convert the image to any other output style.
- 1) inboxes 2) insights 3) formats 4) relatives

پاسخ آزمون ۱۷

۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: «تقریباً ۴۰ درصد از برندگان جایزه نوبل کشور از سال ۲۰۰۰ در خارج از کشور متولد شده‌اند.»
توضیح: ترکیب "to be born" (به معنای متولد شدن) متعدی است. دقت کنید که به دلیل ویژگی فعل مورد نظر (عمل متولد شدن در گذشته انجام شده) زمان گذشته ساده درست است. دقت کنید که خود ریشه این ترکیب، یعنی فعل "bear" به معنای «به دنیا آوردن» است. یک مثال ببینید:

She might never be able to bear children.

او شاید هرگز قادر به به دنیا آوردن فرزند نباشد.

۲-گزینه ۳ ترجمه جمله: «اطلاعات از بازارهای مختلف خرده فروشی جمع آوری شدند و به پایگاه داده وارد شدند.»
توضیح: اسم "information" غیر قابل شمارش است، پس فعل آن همیشه مفرد است. ضمناً، به دلیل وجود حرف ربط همپایه‌ساز "and"، دو فعل قبل و بعد دارای ساختار موازی هستند. دقت کنید که قبل از فعل دوم "was entered" حذف شده است (حذف به قرینه).

۳-گزینه ۲ ترجمه جمله: «A: جان برای انجام این کار به اندازه کافی باتجربه نیست، هست؟ B: نه، من فکر نمی‌کنم باشد.»
توضیح: با توجه به جواب منفی "no"، در پاسخ باید از "I don't think" استفاده کنیم. ضمناً به دلیل وجود "isn't" در جمله اول، گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند.

۴-گزینه ۲ ترجمه جمله: «شما می‌توانید به فعالیت‌های در حیات خلوت بپیوندید، یا می‌توانید در داخل بازی کنید.»
توضیح: با توجه به کاربرد «اجازه دادن» فعل وجهی "may" و وجود دو انتخاب، از حرف ربط "or" استفاده می‌کنیم.

۵-گزینه ۴ ترجمه جمله: «از آنجایی که ما می‌توانیم از سبزتر ساختن شهرهایمان سود بسیاری ببریم، ما باید برای انجام این کار از هیچ تلاشی مضایقه نکنیم.» ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:
(۱) بخشیدن (۲) رشد کردن (۳) ملاحظه کردن (۴) مضایقه کردن، چشم‌پوشی کردن

مضایقه کردن، چشم‌پوشی کردن، اختصاص دادن spare (v.)
No one knows why the gunman shot some people and spared others.

هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مرد مسلح بعضی‌ها را کشت و از کشتن دیگران صرف‌نظر کرد.

Can you spare (me) a few minutes?

ممکن است چند دقیقه (از وقتت را) به من اختصاص دهی؟

از هیچ تلاشی مضایقه نکردن spare no pains/effort
Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. (Vision 3 - Page 19)

دکتر غریب نیز یک مرد سخاوتمند بود. او برای درمان کودکان بیمار از هیچ تلاشی مضایقه نکرد.

۱۸-گزینه ۲ ایده اصلی متن چیست؟ «تقلب در دنیای هنر و راه‌های مختلف آن.»

۱۹-گزینه ۳ معنای inpainting چیست؟ «تعمیر یک نقاشی بر اساس طراحی اصلی هنرمند.»

۲۰-گزینه ۱ در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آمریکایی‌ها به راحتی فریب دلان هنری اروپایی را می‌خوردند، زیرا «دانش هنری نداشتند.»

۲۱-گزینه ۳ مرجع ضمیر it که در بند آخر زیرش خط کشیده شده است به نقاشی «یک منظره معروف» اشاره دارد.
ترجمه متن ۲:

تلویزیون به حدی رواج پیدا کرده است که اکنون بسیاری از کودکان بریتانیایی آن را با دیگر فعالیت‌هایشان، از جمله فعالیت در شبکه‌های اجتماعی پیوند زده‌اند؛ یعنی از صفحه نمایش لپ‌تاپشان به صفحه تلویزیون نگاه می‌کنند و دوباره سراغ لپ‌تاپشان می‌روند. با اینکه آن‌ها بر روی تماشای تلویزیون تمرکز دارند، افراد جوان اینک مایل نیستند که تنها یک برنامه را دنبال کنند؛ به ویژه پسران اغلب کانال‌ها را تغییر می‌دهند تا دو برنامه را به صورت هم‌زمان دنبال کنند. تحقیقات انجام‌شده توسط آژانس تحقیقات بازار Childwise، نگرانی‌ها را در این‌باره افزایش می‌دهد که دوران کودکی به نحو روبه‌رشدی به حریم خصوصی و فعالیت‌های بدون تحرک مربوط می‌شود و کمتر دربرگیرنده بازی، تعاملات اجتماعی و یا تخیلات خود کودک است.

«طرح کودکان» اخیر دولت روی بهبود امکانات تفریحی به عنوان وسیله‌ای برای تضمین زندگی متعادل‌تر برای جوانانی که زمان زیادی را به تماشای تلویزیون می‌پردازند تمرکز کرده است. یافته‌های تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که میزان تماشای تلویزیون پس از سه سال کاهش در بین کودکان دوباره رو به افزایش است. این موضوع عمدتاً به این دلیل است که دختران بیشتری سریال‌های تلویزیونی تماشا می‌کنند.

استفاده از اینترنت نیز به سرعت در حال افزایش است. این یعنی کودکان بریتانیایی به‌طور میانگین پنج ساعت و بیست دقیقه از وقت‌شان در طول روز را جلوی صفحه نمایش سپری می‌کنند؛ رقمی که بیش از پنج سال پیش چهار ساعت و چهل دقیقه بود. از طرف دیگر، مطالعه تفریحی (غیردرسی) به عنوان یک سرگرمی معمولی، همچنان در حال کاهش است. اگرچه از هر پنج کودک چهار کودک در زمان فراغت مطالعه می‌کنند، اما تنها یک‌چهارم این کار را به صورت روزانه و ۵۳٪ حداقل یک‌بار در هفته انجام می‌دهند.

۲۲-گزینه ۱ اساساً متن به بحث در مورد چه موضوعی پرداخته است؟ «گسترش عادات بد بین کودکان.»

۲۳-گزینه ۲ طبق متن، کدام یک از موارد زیر یک روند نزولی بین کودکان داشته است؟ «تعاملات اجتماعی»

۲۴-گزینه ۱ طبق متن، کدام از موارد زیر غلط است؟ «تماشای تلویزیون در طی ده سال اخیر در حال کاهش بوده است.»

۲۵-گزینه ۴ کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل نقش (کارکرد) عملکرد پاراگراف (۳) را در رابطه با پاراگراف‌های (۱) و (۲) نشان می‌دهد؟ «نکات مطرح‌شده در آن پاراگراف‌ها را بیشتر تصدیق می‌کند»

۱) هیجان‌انگیز (۲ / برجسته / ۳) بی‌علاقه (۴) متعجب

وجه تمایز قائل شدن، تشخیص دادن
distinguish (v.)
 The factor that **distinguishes** this company from the competitors is customer service.

عاملی که این شرکت را از رقبایش تمایز می‌دهد، خدمات مشتری است.
 I have trouble **distinguishing** between the two of them.
 من در تشخیص دو تا از آن‌ها مشکل دارم.

برجسته، فرهیخته
distinguished (adj.)
 He was known as a **distinguished** university professor, too. (Vision 3 - Page 20)

او همچنین به عنوان استاد دانشگاه برجسته شناخته شده بود.

۱۰- گزینۀ ۳) ترجمه جمله: «پیشانی شما برای من نسبتاً گرم است؛ اجازه بدهید دمای بدن‌تان را بگیرم و بینم تب دارید یا نه.»

ترجمه گزینۀ در حالت مصدری:

۱) اضافه کردن (۲) انجام دادن (۳) گرفتن (۴) ساختن

دمای بدن کسی را گرفتن
take sb's temperature
 While the nurse is **taking her temperature**, they start talking. (Vision 3 - Page 19)

درحالی که پرستار دمای بدن او را می‌گیرد، آن‌ها شروع به صحبت می‌کنند.

۱۱- گزینۀ ۴) ترجمه جمله: «زیرنویس‌ها و عنوان‌ها برای کمک به حمایت از جامعه‌اشنواها یا کم‌شنواها طراحی شده‌اند و حتی به سخنرانان اجازه می‌دهند تا ترجمه یک سخنرانی را نیز در آنجا قرار بدهند.»

۱) ترسیده (۲) مغرور (۳) ضعیف (۴) سخت

کم‌شنوا
hard of hearing
 We have to speak louder, because my grandmother is **hard of hearing**. (Vision 3 - Page 21)

ما مجبوریم بلندتر صحبت کنیم، زیرا مادربزرگ من کم‌شنوا است.

۱۲- گزینۀ ۴) ترجمه جمله: «پسر من، که یک مدیرعامل است، بسیار مشغول است و متأسفانه، اما نه تعجب‌آور، او اغلب با من تماس نمی‌گیرد.»

۱) به‌طور جدی (۲) خوشبختانه (۳) بی‌قید و شرط (۴) تعجب‌آور
 توضیح: به تست ۱۷ از آزمون شماره ۱۵ توجه کنید.

ترجمه کلوز تست:

گل‌سنگ‌ها یکی از انواع نادر حیات هستند که می‌توانند در کوهستان‌های جنوبگان زنده بمانند. این گیاهان کوچک در حفره‌های ریزسنگ‌ها زندگی می‌کنند. در بیرون، سرمای شدید و بادهای شدید^(۱۳) به‌طور کلی از زنده ماندن هر موجود زنده‌ای جلوگیری می‌کند. در درون حفره‌ها، این گل‌سنگ‌ها می‌توانند آب کافی و گرما^(۱۴) پیدا کنند تا زنده بمانند، با این وجود که بسیاری اوقات یخ‌زده هستند^(۱۵). این حقیقت به این معناست که گل‌سنگ به شدت کند عمل می‌کند^(۱۶) و بسیار طولانی عمر می‌کند. دانشمندان اعتقاد دارند که گل‌سنگ می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اگر این درست باشد^(۱۷)، گل‌سنگ ممکن است جزء قدیمی‌ترین گونه‌های حیات در زمین باشد.

۶- گزینۀ ۳) ترجمه جمله: «همان‌طور که به یاد خواهی آورد، من می‌خواستم ملاقات کنم، بنابراین به پشت صحنه رفتم. این (اتفاق) قبلاً و تا به حال هرگز برای من اتفاق نیفتاده بود! تو در را باز کردی، من ناگهان به گریه افتادم و ما در آغوش یکدیگر افتادیم.»

ترجمه گزینۀ در حالت مصدری:

۱) فاقد... بودن (۲) مراقبت کردن (۳) ناگهان به گریه افتادن (۴) جای گرفتن، جایگزین شدن

ترکیدن، منفجر کردن. ناگهان اتفاقی افتادن
burst (v.)
 The balloon **burst**.

بالون ترکید.

ناگهان به گریه افتادن
burst into tears: to cry suddenly
 Aida **burst into tears** when she saw her score. (Vision 3 - Page 23)

آیدا وقتی نمره‌اش را دید، ناگهان به گریه افتاد.

۷- گزینۀ ۲) ترجمه جمله: «آژان برام یکبار گفت: «هرکسی اشتباه می‌کند. عاقل کسانی نیستند که هرگز اشتباه نمی‌کنند، بلکه کسانی هستند که خودشان را می‌بخشند و از اشتباهاتشان درس می‌گیرند.»

۱) تولید کردن (۲) بخشیدن (۳) ترجمه کردن (۴) تعلق داشتن
 بخشیدن

forgive (v.)

forgive: to stop being angry with someone

خشمگین نبودن از کسی

Mom **forgave** me for breaking the vase. (Vision 3 - Page 23)

مادر، من را برای شکستن گلدان بخشید.

بخشش
forgiveness (n.)
 It was a terrible sin, she said, which means we've got to pray for **forgiveness**.

او گفت این یک گناه وحشتناک است و این حرف یعنی ما باید برای بخشش دعا کنیم.

۸- گزینۀ ۱) ترجمه جمله: «برخی کارگران دولتی متعهد هستند و سخت کار می‌کنند، اما اکثر آن‌ها فقط منتظر بازنشستگی هستند.»

ترجمه گزینۀ ها:

۱) متعهد (۲) مخرب (۳) اقتصادی (۴) راحت

اختصاص دادن، وقف کردن
dedicate (v.)

The actress now **dedicates** herself to children's charity work.

بازیگر زن اکنون خود را وقف کار خیریه کودکان می‌کند.

متعهد، متعصب
dedicated (adj.)
 She is a **dedicated** socialist.

او یک سوسیالیست متعصب است.

۹- گزینۀ ۲) ترجمه جمله: «اگر دانشمندی سالخورده اما برجسته می‌گوید که چیزی امکان پذیر است، او تا حد زیادی درست می‌گوید؛ اما اگر او می‌گوید که کاری غیرممکن است، به احتمال زیاد اشتباه می‌کند.»

ترجمه گزینۀ ها:

۱۳- گزینه ۳ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) تند (۲ / سریع (۳ / شدید، قوی (۴ / سنگین
توضیح: به هم‌آبی‌های "strong wind" و "heavy rain" که در متن درس ۱ دوازدهم نیز آمده‌اند توجه کنید.

۱۴- گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) سلامتی (۲ / رشد (۳ / قدرت (۴ / گرما

۱۵- گزینه ۴

توضیح: فعل "freeze" در اینجا متعدی است و مفعول بعد از آن به کار نرفته است. بنابراین، وجه جمله مجهول است. ضمناً چون تست اشاره به یک وضعیت کلی دارد، از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۱۶- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) عمل کردن (۲ / توضیح دادن (۳ / دریافت کردن (۴ / ترکیب شدن
توضیح: به تست ۹ از آزمون شماره ۱۰ رجوع کنید.

۱۷- گزینه ۱ توضیح: به معنای گزینه‌ها و ارتباط آن‌ها با جمله

قبل و بعد از جای خالی توجه کنید.

ترجمه متن ۱:

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ در بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ در شیراز متولد شد. اطلاعات قابل اعتماد بسیار کمی در مورد زندگی حافظ در دست است، به خصوص دوران اولیه زندگی‌اش. با قضاوت از روی شعرهایش، احتمالاً باید تحصیلات خوبی داشته باشد. گفته شده است که با گوش دادن به تلاوت‌های پدرش، حافظ کتاب قرآن کریم را در سنین پایین حفظ کرده است. همچنین معتقدند که حافظ آثار مولانا، سعدی، عطار و نظامی را از بر بوده است.

به عنوان یک مرد جوان، حافظ شاعر دربار ابواسحاق شد که در شهر خودش شهرت و نفوذ نصیب او کرد. ممکن است که حافظ در آن زمان به عنوان معلم در مدرسه قرآنی کار کرده باشد. وقتی حافظ در اوایل دهه سی‌سالگی‌اش بود، «مبارز مظفر» شیراز را تسخیر کرد و ظاهراً حافظ را از شغلش برکنار کرد. در سن ۵۲، حافظ بار دیگر موقعیتش را در دربار پس گرفت و احتمالاً یک دعوتنامه شخصی از شاه شجاع دریافت کرده باشد که از او خواست بازگردد. عموماً باور دارند که حافظ در سن ۶۹ سالگی فوت کرد. آرامگاه او در باغ‌های مصلی شیراز واقع شده است که به آن حافظیه گفته می‌شود.

موضوع غزلیات او درباره عشق، ایمان و توضیح ریاکاری است. او در غزلیاتش از عشق، می و میخانه استفاده می‌کند که همه نشان‌دهنده شور و هیجان و آزادی از بندها است، چه در واقعیت و چه از زبان یک عاشق که از معشوق الهی سخن می‌گوید. تاثیرگذاری او در زندگی فارسی‌زبانان در «فال حافظ» و استفاده پرتعداد از اشعار او در موسیقی سنتی فارسی، هنرهای تجسمی و خطاطی فارسی یافت می‌شود. آرامگاه او پذیرای بازدیدکنندگان بسیاری است. اقتباس‌ها، تقلیدها و ترجمه‌های اشعار او در تمامی زبان‌های اصلی وجود دارد.

۱۸- گزینه ۲ گفته می‌شود که حافظ کتاب مقدس قرآن را

حفظ کرد «هنگامی که پدرش آن را با صدای بلند می‌خواند».

۱۹- گزینه ۱ گفته می‌شود که حافظ اشعار تمامی شعرای زیر را

از حفظ بوده است، به جز «فردوسی».

۲۰- گزینه ۱ وقتی مظفر به شیراز حمله کرد «حافظ ۳۵ سال

یا کمتر سن داشت».

۲۱- گزینه ۲ حافظیه جایی است که «حافظ در آن دفن شده است».

ترجمه متن ۲:

تفاوت بزرگی وجود دارد میان میزان خوابی که می‌توانید داشته باشید و میزان خوابی که بایستی برای عملکرد بهینه داشته باشید. طبق گفته موسسه ملی بهداشت، یک فرد بالغ معمولی هر شب کمتر از هفت ساعت می‌خوابد. در جامعه پرسرعت امروزی، شش یا هفت ساعت خواب ممکن است خیلی خوب به نظر برسد. اما در حقیقت، اگر بتوانید به این میزان بخوابید، به احتمال خیلی زیاد به اندازه‌ای که نیاز دارید نخواهیدید. این که با شش یا هفت ساعت خواب می‌توانید فعالیت داشته باشید به این معنا نیست که اگر یک یا دو ساعت بیشتر در تخت خواب می‌گذرانید احساس خیلی بهتری نمی‌کردید.

با این‌که نیاز به خواب از فرد به فردی دیگر اندکی تفاوت دارد، اغلب بزرگسالان سالم به ۷ الی ۹ ساعت خواب در شبانه‌روز نیاز دارند تا بتوانند بهترین عملکرد را داشته باشند. کودکان و نوجوانان حتی به خواب بیشتری احتیاج دارند. و برخلاف این باور که نیاز ما به خواب با افزایش سن کاهش می‌یابد، بیشتر افراد مسن همچنان به حداقل ۷ ساعت خواب نیاز دارند. از آنجایی که بزرگسالانی که سن بالاتری دارند با خوابیدن به این مدت در طول شب مشکل دارند، جرت‌زدن‌های کوتاه طی روز می‌تواند این خلأ را پر کند.

۲۲- گزینه ۳ موضوع اصلی متن چیست؟ «میزان خوابی که

انسان‌ها نیاز دارند».

۲۳- گزینه ۴ طبق متن تعداد ساعت مناسب برای خواب برای

افراد «دقیقاً یک اندازه نیست».

۲۴- گزینه ۲ منظور نویسنده از «این میزان» در پاراگراف اول

چیست؟ «شش یا هفت ساعت خواب».

۲۵- گزینه ۴ نویسنده احتمالاً با کدام عبارت زیر بیشتر

می‌تواند موافق باشد؟ «به‌طور کلی کودکان و نوجوانان به بیش از ۷

الی ۹ ساعت خواب در روز نیاز دارند».

پاسخ آزمون ۱۸
۱- گزینه ۳ ترجمه جمله: «دوچرخه‌ام به سرقت رفته است!

می‌خواهم به پلیس زنگ بزنم».

توضیح: فعل "steal" به معنای «دزدیدن» متعدی است و چون مفعول بعد از آن به کار نرفته است، وجه جمله مجهول است. گزینه‌های (۳) و (۴) مجهول هستند. گزینه (۴) شکل مجهول زمان گذشته استمراری است که به لحاظ معنایی در اینجا نادرست است.